



«کُداک» و کربلا!

در خبرها آمده بود که یکی از شاخک‌های «بی‌بی‌سی» توسط «ارتش سایبری» حکومت جمکران هک شده! به سراغ سایت کذا رفتیم و دیدیم که بله، یک صفحه از «حسین و کربلا» با چند فحش آبدار به «وطن‌فروشان» روی مانیتور کذا ظاهر می‌شود و هکرها قول می‌دهند که «پدر همه را در می‌آوریم!» البته ما از اینکه این سایت را هک کرده‌اند اصلاً ناراحت نیستیم! شوخی هم نداریم؛ از نظر ما این «سایت» و بقیه سایت‌هایی که تحت عنوان «خبررسانی» با آی‌پی‌های انگلیسی و آمریکائی در سراسر جهان به فعالیت مشغول‌اند، همه همکاران حکومت اسلامی‌اند. خلاصه این برنامه «هک» هم یک دعوای «برادرانه» است، عین جنگ‌زرگری «پسانتخاباتی»! حتماً قرار شده زهر و سم‌اش را هم به جان ملت ایران بریزند.





این سایت‌ها همه یک «حرف» را تکرار می‌کنند، در چند لافافه! خلاصه مسئله این است که «نعل‌شان» را چه جوری بکوبند. یا مثل «بی‌بی‌سی»، نعل را وارو کرده، بعد می‌کوبند، یا از الگوی «صدای آمریکا» پیروی می‌کنند؛ اصلاً هم به نعل می‌زنند و هم به میخ! خلاصه به هر کجا می‌زنند، با روند مسائل واقعی در کشور ایران هیچ ارتباطی ندارند و پیام‌شان، اخبارشان، تفسیرهای‌شان و ... در چند جمله کوتاه خلاصه می‌شود. نخست اینکه، آقایان موسوی و کروبی و رفسنجانی «آزادیخواه‌اند!» دوم اینکه احمدی‌نژاد در برابر تحقق آراء و خواست‌های ملت ایران فقط با کمک خامنه‌ای ایستاده؛ و سوم اینکه تمام این مشکلات فقط به دلیل حمایت روسیه از خامنه‌ای و احمدی‌نژاد پیش آمده! این سه «فرض» احمقانه را که اگر در برابر مرغ پخته بگذارید تا فردا به ریش‌تان می‌خندد، آنقدر در سیستم‌های مختلف تبلیغاتی تکرار می‌کنند که آخر کار همه خلق‌الله به همان نتیجه‌ای برسند که قبلاً یعنی در دوران «انقلاب حضرت امام»

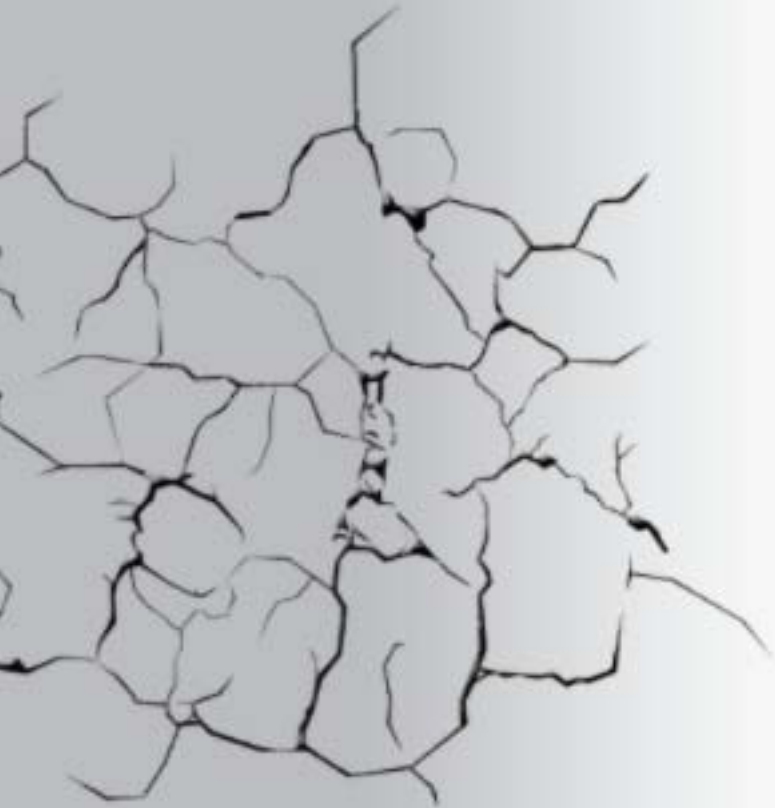


رسیده بودند! خلاصه می‌رسیم به همان تثلیث جادویی که قبلاً نامش «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود و به همان بن‌بستی منتهی شد که در هیاهوی ۲۲ بهمن ۵۷ نهایتاً یک کودتای ننگین را برای سه دهه به ما ملت تحمیل کرد. اسم «لعنتی‌اش» را هم اگر یادمان نرفته باشد، اول از همه شخص محمدرضا پهلوی برای مان انتخاب فرمودند: «انقلاب»!

قبلهٔ عالم همانطور که در کاخ نیاوران لم داده بودند و زیر چشمی عملیات خان‌داداش را دنبال می‌کردند که چگونه ذغال‌ها را توی منقل اینور و آنور می‌کند، از دوردست‌ها دود آتشی که ساواکی‌ها به راه انداخته بودند ملاحظه کرده، عین پدرتاجدار و «جنگجو» و مبارزشان از ترس آن‌ا خشتک «سلطنتی» را خراب کرده، فریاد زدند: انقلاب! بعد هم رو به گاردهای همیشه جاویدان نموده فرمودند، حالا است که ماری‌آنتوانت دیبا را سر خواهند برید! در این لحظه خندهٔ شیرینی بر لبان ملوکانه نقش بست، که مورخین در تحلیل دلائل آن هنوز مردداند! در پی این لبخند «معنادار»، ایشان دست‌ها را به گوشهٔ جلیقهٔ ضدگلوله گیر داده، سینه را جلو دادند و همانطور که آخرین ذرات کوکائین را از منحرفین بالا می‌کشیدند و خود را آماده می‌کردند تا یک سخنرانی بجا و به موقع در مورد انقلاب فرانسه و اثرات آن بر تاریخ بشر و خصوصاً انقلاب سفید تحویل باغبان، گاردجاویدان، و خصوصاً امیرعباس هویدا، که چند متر دورتر به عادت همیشگی دمرو روی چمن‌ها افتاده بود تحویل دهند، ناگهان خان‌داداش، با ضجه‌ای جانسوز رشتهٔ افکار ملوکانه را گسیخت: «اعلیحژرتا! خونشردی تونو حفژ کنین. روبشپیر هم اگه بیاد در رکابتون می‌ریم پاریش حالشو می‌بریم! خان‌داداش برای نشان دادن عزم جزم خویش، همانجا وافور را که با یک بست دوآتشهٔ سناتوری تزئین شده بود، به اعلیحضرت «نشان» می‌دهند! این مختصر را گفتیم تا آن‌ها که فضای سیاسی و تشکیلاتی و مملکت‌داری در دوران گذشته را «فراموش» کرده‌اند یادشان بیاید که نهایت امر «پاره‌آجر» از کجا توی سرشان خورده!

حالا باز گردیم به «سایبر ارتش» جمکرانی‌ها! در مطالب چند روز پیش اشاره‌ای به بحران استراتژیکی داشتیم که بین پکن و واشنگتن در حال شکل‌گیری است. تکرار مکررات نمی‌کنیم ولی به استنباط ما این بحران استراتژیکی از ابعادی برخوردار شده که امروز به صورتی نمادین بر صحنهٔ ارتباطات

دیجیتال جلوه می‌کند. می‌دانیم که حکومت جمکران نه تنها سایت‌های مستقر بر سرورهای فوق امنیتی در خارج از کشور که حتی سایت‌های عادی را نیز نمی‌تواند فیلتر کند. فیلترینگ وبلاگ‌ها، سایت‌ها و تمامی فعالیت‌هایی که تحت عنوان «مخابرات» جمکران بر روی شبکهٔ جهانی فعال است مستقیماً توسط سازمان سیا به مورد اجرا گذاشته شده. از طرف دیگر سایت «فیلتر» شدهٔ کذا توسط «ارتش سایبری»، ظاهراً تحت حمایت دولت هلند «فعالیت» می‌کند، و هر چند «آی‌پی‌هایش» انگلیسی است، مسلماً سپاه پاسداران جمکران نمی‌تواند از تهران آن را هک کند. این عملیات، زیر سر هر طرف صورت گرفته، مسلماً ریشه‌هایش را می‌باید در چارچوب دعوای پکن و واشنگتن جستجو کرد. پیشتر هم گفتیم، حال که کار به اینجا رسیده هر کشوری با کشور دیگر دعوا و مرافعه‌ای پیدا می‌کند، حملات اینترنتی خود را به اسم «سایبر ارتش جمکران» صورت خواهد داد! و طبیعی است، هزینهٔ این عملیات را ملت ستمدیدهٔ ایران پرداخت خواهد کرد. آخوندهای احمق و خودفروخته‌ای که به قول معروف «خالی‌بندی» را سه دهه است تبدیل به سیاست‌گذاری کشور کرده‌اند، به هیچ عنوان در برابر افکار عمومی جهانی از چنین اعمال احمقانه‌ای «برائت» نخواهند جست. این گوساله‌های ننه‌حسن این اعمال ابلهانه را که قدرت‌های جهانی و استعماری بر علیه یکدیگر صورت می‌دهند به حساب خودشان و به



در حکومت اسلامی نقطه پایان گذاشته، در کمال پروائی ادعا می‌کنند:

«... [پس استعفا نمی‌دهم و منتظر می‌مانم تا شما سقوط کنید و من به کار خودم برگردم.]» همان منبع!

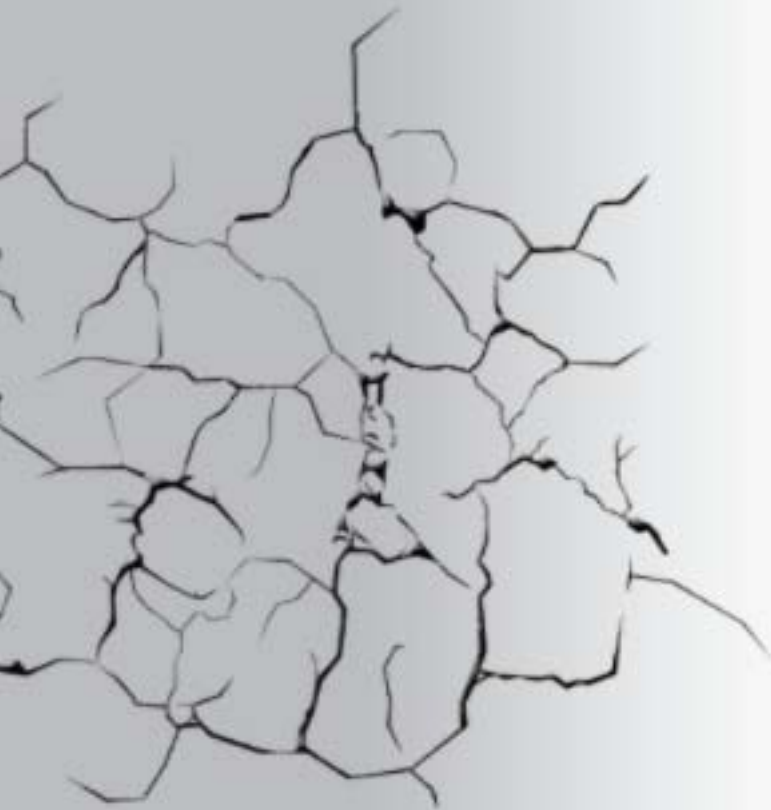
حال آن‌ها که به قول خودشان برای عوامل سرکوبگر این رژیم فاشیست، «در خروجی باز گذاشته‌اند» بهتر است بفرمایند چه نوع حکومتی می‌خواهند با امثال «خروجی‌هایی» از قبیل حضرت ابوالفضل برای ملت ایران پایه‌ریزی کنند؟ روزی که حکومت فاشیست‌های آلمان نازی سقوط کرد، دولت ایالات متحد به تمامی آدمکشان و عوامل «اس. اس.» پناه داد. ولی این افراد را به کاخ سفید و یا پنتاگون دعوت نکرد. آنها را گروه گروه به آمریکای لاتین برد و طی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ تمامی این جانیان به عنوان مشاوران سرکوب، شکنجه و چپاول در خدمت واشنگتن و در قلب دولت‌های دست‌نشانده آمریکای لاتین به خدمات‌شان ادامه دادند. بی‌دلیل نبود که گروه‌های مدافع یهودیان، برای تعقیب جانیان «اس. اس.» اغلب دفاتر تحقیق‌شان را طی این مدت، در آندسته

عنوان «قدرت‌های» دیجیتالی مقام‌معظم و «اسلام عزیز» جا زده‌اند! ما از هم‌وطنان می‌خواهیم که با افشا کردن این ترفندها فضای اینترنتی کشور را از میانه جنگ قدرت‌های استعماری و جهانی بیرون آورند؛ مسلم بدانیم این نوع جنگ‌های «مجازی» همچون جنگ‌های کلاسیک و «واقعی»، اگر منافع‌اش به جیب اجنبی می‌رود، خاک‌اش به چشم ما خواهد ریخت.

حال که به ریختن خاک در چشم ملت رسیدیم، ببینیم رادیوفردا، شاخک سازمان سیا چه خاکی برای چشم ملت در خاک‌انداز انداخته. نام خاک کذا «ابوالفضل اسلامی» است! به عبارت دیگر، هم به حماسه کربلا و هم به دین مبین و دست‌بریده آنحضرت ارجاع می‌دهد! رادیوفردا، مورخ ۳۱ ژانویه ۲۰۱۰ چنین تیتیر می‌زند:

«ابوالفضل اسلامی، دیپلمات پیشین؛ صدائی دیگر از پشت پرده!»

زیر این تیتیر «درخشان» یک عکس خودنمایی می‌کند که به ادعای رادیوفردا از آرشیو شخصی همین «حضرت» ابوالفضل بیرون آمده! البته ما نمی‌توانیم این ادعا را به زیر سؤال ببریم، ولی عکس حضرت ابوالفضل از هر کجا آمده، یک امر مسلم است، قبل از آنکه روی سایت رادیوی کذا بنشیند چند ساعتی با «فتوشاپ» روی آن کار کرده‌اند! بالاخره این عکس از فاجعه کربلا تا هزاره سوم را یک‌تنه و پای پیاده طی کرده. شاید ریش ابوالفضل را تراشیده‌اند و سبیل برای‌اش گذاشته‌اند، شاید کارهای دیگری هم کرده باشند، ولی ما می‌دانیم که این حضرت ابوالفضل یا از روز ازل ناقص‌الخلقه بوده، یا با استفاده از فتوشاپ برای‌شان یک «عکس» درست کرده‌اند. هر چه باشد فناوری عکاسی در دوران معاویه چندان پیشرفته نبود! در کربلا نه دوربین داشتند و نه فیلم «کدک»! البته این نکته که ابوالفضل رادیوفردا اصولاً موجودیت واقعی دارند یا خیر هیچ اهمیتی ندارد؛ مهم این است که فردی پس از ۲۵ سال همکاری در رأس دیپلماسی‌های حکومت جمکران، آزادیخواه و طرفدار «مردم» شده. به عبارت دیگر، این ابوالفضل به قول فرزند شاه سابق، «در خروجی» را برای خودشان باز گذاشته‌اند! حضرت ابوالفضل که به قولی بر ۲۵ سال خدمت دیپلماتیک خود



از کشورهای آمریکای لاتین گشودند که مستقیماً زیر نظر سازمان سیا و پنتاگون اداره می‌شد.

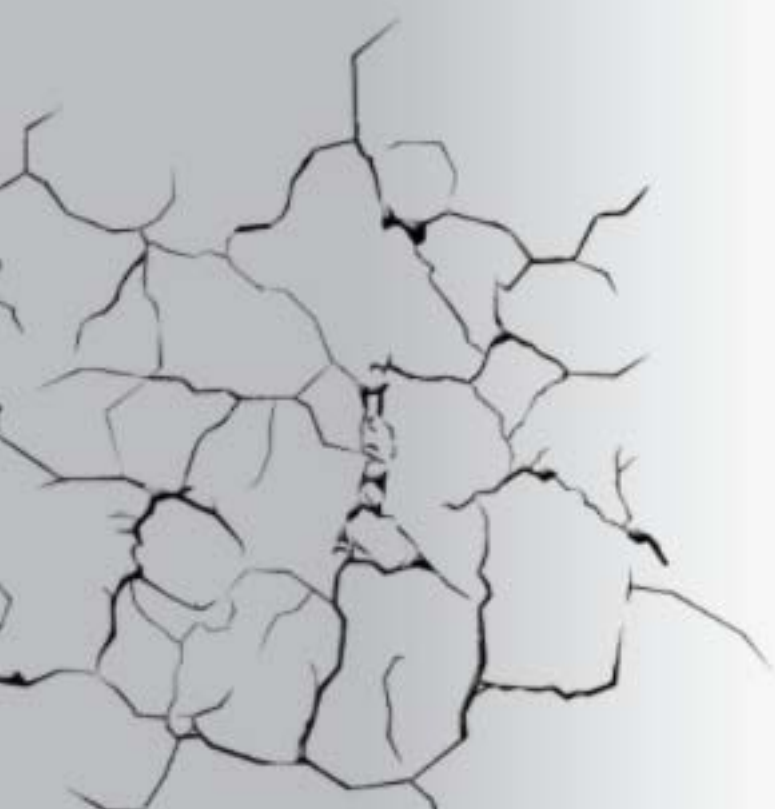
خلاصه کلام، کسی که ۲۵ سال عمر خود را در رأس محافل دیپلماتیک با بده‌بستان، کثافتکاری، حق حساب دادن و پولشوئی و هزار جنایت و نکبت و دست‌بوسی، به امر «مقدس» گدائی پست و مقام سپری کرده، اصولاً در یک نظام مدعی دموکراسی به چه کار خواهد آمد؟ این سئوالی است که «مدعیان» حمایت از دموکراسی امروز می‌باید به آن پاسخ گویند. یک اصل مسلم است، آنان که امروز ادعای حمایت از دموکراسی، سکولاریسم، حکومت قانون و حاکمیت منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد بر آینده ملت ایران را دارند، با امثال حضرت ابوالفضل نمی‌توانند همکار و همدم شوند! چرا که پر واضح است ایشان و امثال ایشان فقط به این دلیل به یاد «مردم» می‌افتند که صدای برخورد کفگیر حکومت امام زمان را به ته دیگ به گوش جان شنیده‌اند!

واقعاً که خنده‌دار است! و از این خنده‌دارتر رفتار بعضی «اوباش سبز» است که قصد دارند همان کاری را با امثال حضرت ابوالفضل کنند که پیشتر با میرحسین موسوی جلاد کرده‌اند. یعنی تطهیر اینان از جنایت و نامردمی‌ها و هورا کشیدن برای عملیات قهرمانانه این موش‌های مودی و آدمخوار که کشتی شکسته و فروهشته حکومت امام زمان را ترک می‌کنند. موش‌هایی که جز سرکوب انسانیت و تبدیل شدن به ابزار سرکوب در کف یک تشکیلات ضدبشری نه کاربردی دارند و نه خاصیتی!

در همینجا به امثال حضرت ابوالفضل گوشزد کنیم که اگر ایران به سوی یک دموکراسی سیاسی برود؛ در چنین حکومتی احدی به کسی «امان» نخواهد داد. چرا که «امان دادن» مربوط به حکومت‌های آغامحمدخانی و امام‌زمانی است. در دموکراسی سیاسی اگر شاکی خصوصی دارید و یا مدعی‌العموم از شما پرونده‌ای به دادسرا می‌فرستد در چارچوب قوانین محاکمه خواهید شد، چه طرفدار میرحسین موسوی باشید و چه نباشید. اگر قرار باشد که شاکی خصوصی و مدعی‌العموم تحت نظر رژیم سیاسی فعالیت کنند، این رژیم دیگر دموکراسی نمی‌تواند باشد، یکی از انواع مختلف و رنگارنگ دیکتاتوری به شمار خواهد آمد.

و از قضای روزگار با هیاهو و شادی و هل‌هله در اطراف چاقوکشانی که خیمه مقام‌معظم را به نفع این و آن ترک می‌گویند، لات‌ولت‌های جنبش‌سبز، دست در دست اوباش حزب‌توده و دارودسته داریوش همایون می‌خواهند در این مملکت اصل مسئولیت شهروندی را به هر صورت ممکن ماست‌مالی کنند! قصد واقعی و نهائی از این نمایشات رسانه‌ای، و ارائه گزارشات مطبوعاتی در مورد رفتار و کردار اوباش حکومت اسلامی فقط به کرسی نشاندن یک اصل کلی است: در حکومت آینده ایران مسئولیت‌ها مخدوش خواهد بود و اصل مسئولیت شهروندی لوٹ می‌شود! در نتیجه، پیام روشن و واضحی به چاقوکشان محترم مقام‌معظم می‌دهند: کسی با شما کاری ندارد! تا دیروز برای خامنه‌ای چاقو می‌کشیدید، از فردا برای ما! جیره و مواجب‌تان هم خواهد رسید، خیال‌تان راحت باشد!

مسلماً بسیاری از آنان که از روند پیوستن اوباش حکومت اسلامی به جبهه مخالفان حمایت می‌کنند، این حمایت را بدون در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و فلسفی و اخلاقی و تشکیلاتی‌اش صورت می‌دهند. فراموش نکنیم که در یک فرهنگ فئودال زده و استبدادی زندگی کرده‌ایم. در چنین فرهنگ اجتماعی‌ای، اگر بتوان اصولاً نام «فرهنگ اجتماعی» بر آن نهاد، مسئولیت



افراد در ارتباط با جامعه کاملاً «مخدوش» باقی می‌ماند. این «مسئولیت» به دلیل حاکمیت یک دستگاه ضدبشری، نه در ارتباط با قوانین و مقررات جاری، انسانی و حقوقی که فقط در ارتباط با جبهه‌گیری سیاسی و محفلی افراد مشخص خواهد شد. به آن‌که خصوصاً دم از طرفداری از دموکراسی می‌زنند، و همزمان از اینگونه «تغییر» مواضع عوامل سرکوب حمایت می‌کنند، یادآور می‌شویم که چنین موضع‌گیری‌هایی برای پایه‌ریزی یک حکومت دمکراتیک در کشور سمی مهلک و کشنده خواهد بود. مسئولیت انسان‌ها در یک دموکراسی کالا نیست که بر سر آن «معامله» شود.

در همینجا بگوئیم، آنان که می‌خواهند یک دیکتاتوری جدید بر کشور حاکم کنند، بهتر است بجای جیغ‌وفریاد در اطراف «آزادی»، «دموکراسی» و ... ابعاد واقعی دیکتاتوری مورد نظر خود را از هم اینک تشریح نمایند. چه بسا دیکتاتورها که «مأموریت» خود را جهانی و بشری و ... تلقی کرده، برای خود کامه‌گی‌شان توجیهات «فلسفی» و تاریخی نیز ارائه داده‌اند! ولی با استفاده از عوامل سرکوبگر یک رژیم فاشیست نمی‌توان در هیچ کشوری دموکراسی سیاسی بر پا کرد، این یک اصل اساسی است که تقلیل‌پذیر نخواهد بود.

در فرصتی که باقی مانده به صورتی بسیار شتابزده از مسئولیت شهروندی سخن به میان می‌آوریم، چرا که این مسئولیت در چارچوب فلسفی، اجتماعی و حقوقی فقط می‌تواند در کشوری چشم به جهان بگشاید که در آن حاکمیت سیاسی، راست‌افراطی و چپ‌افراطی را منزوی کرده باشد. به عبارت دیگر یک دموکراسی سیاسی فقط و فقط زمانی می‌تواند واقعیتی ملموس و فیزیکی بیابد که طیف‌های چپ‌افراطی و راست‌افراطی، هر چند در فضای سیاسی حضور دارند، از منظر قانونگزاری به حاشیه رانده شده باشند. دلیل نیز روشن است. در طیف چپ‌افراطی رفتار انسان‌ها نه در چارچوب «قوانین» که در مسیر یک

ایدئولوژی از پیش تعیین شده توجیه می‌شود. خلاصه اگر رفتار فردی در چارچوب این ایدئولوژی قرار گیرد «درست» و قانونی است. در نوع راست‌گرای افراطی نیز، یعنی همان که امروز در کشورمان شاهدیم و در دوران سلطنت پهلوی نیز شاهد بودیم، رفتار انسان‌ها در ارتباط با «انتظارات» و ایدئولوژی‌های خلق‌الساعه محافل و قدرت‌های تشکیلاتی «توجیه» می‌شود، نه در چارچوب قوانین.

به استنباط ما بسیاری از محافل و تشکیلاتی که امروز در مطالب‌شان سخن از دموکراسی سیاسی به میان می‌آورند، در کمال تأسف، شاید ناخودآگاه دست‌اندرکار بازسازی نوعی فاشیسم در کشوراند. امید است که دمکرات‌های ایران، خصوصاً آندسته که با این نوع بحث‌ها آشنائی دارند، با نوشتار، تفسیر و تحلیل‌ها مسیر را بیش از پیش برای همگان روشن و واضح کنند. پیشگیری از فروافتادن به دام یک فاشیسم سیاسی، امروز دیگر یک نظریه‌پردازی صرف نیست، یک وظیفه ملی و تاریخی است.

